

سرزمین آزادگان

از ایرانم از شهر آزادگان



سرزمین آزادگان - اردیبهشت ۱۳۹۴

سال ۱ - شماره ۴

صاحب امتیاز:

کانون ایران‌شناسی دانشگاه تهران

مدیر مسئول: مجید خالقیان

سر دبیر: هادک نوروزک

رایانامه:

kanooniranshenasi@yahoo.com

شاخابی که پارس خواهد ماند...



صفحه ۳

کانون ایران‌شناسی دانشگاه تهران کسب کرد:

رتبه پنجم کشور

کانون ایران‌شناسی دانشگاه تهران رتبه پنجم سراسر کشور را در پنجمین جشنواره ملی کانون‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی دانشگاه‌های کشور (جشنواره رویش) در حوزه ایران‌شناسی و گردشگری، کسب کرد. نکته قابل توجه آنجاست که ما کار خود را از شهریور ۱۳۹۳ آغاز کردیم در حالی که جشنواره با توجه به دستاوردهای کانون‌ها از بازه زمانی مهر ۱۳۹۲ لغایت پایان بهمن ماه ۱۳۹۳ برگزار شد. به عبارت دیگر بسیاری از کانون‌هایی که در این جشنواره با ما رقابت می‌کردند نزدیک به یک سال بیشتر دستاوردهای خود را ارائه داده بودند و سابقه فعالیت داشتند. همچنین بخش گردشگری هم در این جشنواره مطرح بود و با آنکه کانون ایران‌شناسی دانشگاه تهران در برنامه‌های خود تورهای گردشگری با رویکرد فرهنگی را گنجانده بود، اما به دلیل اختصاص نیافتن بودجه قابل قبول، این تورها لغو شدند. با این حال کانون ایران‌شناسی دانشگاه تهران توانست در رقابت با کانون‌های دیگر کشور رتبه پنجم را کسب کند.

جشنواره رویش که اردیبهشت ماه امسال در دانشگاه شیراز برگزار شد شرایط نامناسب دانشگاه تهران را نمایان ساخت.

ادامه در صفحه ۲

سخن نخست

اردیبهشت را ماه فرهنگ دانسته‌اند چرا که در این ماه بزرگداشت بسیاری از مفاخر ما و همچنین روزهای ارزشمند فراوان وجود دارد. از روزهای مهم این ماه می‌توان به روز ملی خلیج فارس و بزرگداشت حکیم فردوسی توسی اشاره کرد.

متأسفانه در سال‌های اخیر شاهد فردوسی ستیزی‌هایی هستیم و واقعا جای تأسف دارد که با فردی که عمر گرانیهای خود را صرف ایران کرده است، اینگونه برخورد شود. این موضوع پرداختن بیش از پیش به فردوسی را به عنوان یک وظیفه برای ما مطرح می‌کند. هرچند دیگر بزرگان و شاعران ما از ارزش قابل توجهی برخوردار هستند و نباید آنها فراموش شوند.

کانون ایران‌شناسی پس از برگزاری دهه فرهنگی خردمند توس، این شماره از نشریه سرزمین آزادگان را به چاپ رسانده است و در این شماره گزارش‌هایی از این دهه فرهنگی ارائه می‌گردد. با امید آنکه یاد و نام فردوسی همواره زنده و جاودان باشد.

خرد بهتر از هر چه ایزد بداد ستایش خرد را به از راه داد
خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیرد بهر دو سرای

در سومین گردهمایی دهه فرهنگی خردمند توس خوانده شد:

شعر استاد شجاع‌پور در واکنش به ناسزا گویان به فردوسی بزرگ

شجاع‌پور درباره این شعر گفت: فردوسی را خواب دیدم و به او گفتم به تو ناسزا گفتند (در آمریکا)، فردوسی هم از من پرسید، به چه زبانی به من ناسزا گفتند؟ من هم گفتم فارسی و او گفت اصلا مهم نیست، بگو فارسی صحبت کنند، به من هر چه می‌خواهند بگویند! این شعر اشاره به ناسزا گویی احمد شاملو به فردوسی دارد و نزدیک به ۲۵ سال پیش در آمریکا سروده شده است.



استاد علیرضا شجاع‌پور در سومین گردهمایی دهه فرهنگی خردمند توس (سه شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۴) که در باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران برگزار شد، به شعرخوانی پرداخت.

وی با مطرح کردن سه مورد از اشعار خود، از حضار خواست تا گزینش کنند و شعری که در آن شاعر، خواب فردوسی را دیده بود مورد توجه حضار قرار گرفت.

ادامه در صفحه ۳



اردیبهشت، ماه فرهنگ

برخی از روزهای ارزشمند در اردیبهشت ماه

۱ اردیبهشت: بزرگداشت سعدی

ابومحمد مصلح بن عبدالله مشهور به سعدی شیرازی. سعدی با آثار گرانبه خود تأثیر مثبتی در ادبیات ایران گذاشت و آثار وی همچون «بوستان» و «گلستان» همواره خواندنی و تأثیر گذار بوده است.

۳ اردیبهشت: جشن اردیبهشتگان

اردیبهشت به معنای «بهترین راستی» است و به عنوان یکی از هفت امشاسپندان شناخته می‌شود. ایرانیان باستان در این روز با آیین‌های خاصی اردیبهشت را بزرگ می‌داشتند. در گاهشماری ایرانی هر روز از ماه نام ویژه‌ای دارد و نام روز سوم هر ماه «اردیبهشت» است. در هر ماهی که نام روز همانند ماه شود، جشن ویژه آن ماه برگزار می‌شود، بنابراین روز سوم (اردیبهشت روز) از اردیبهشت ماه، جشن اردیبهشتگان است. ایرانیان باستان در این روز با آیین‌های خاصی اردیبهشت را بزرگ می‌داشتند. به گفته استاد پورداوود، اردیبهشت در عالم روحانی، نماینده صفت راستی و پاکی و تقدس اهورامزدا است و در عالم مادی نگرهبانی کلیه آتش‌های روی زمین بدو سپرده شده است.

۱۰ اردیبهشت: روز ملی خلیج فارس

دهم اردیبهشت روز اخراج پرتغالی‌ها از تنگه هرمز به عنوان روز ملی خلیج فارس نامگذاری شده است. چندی است برخی از کشورهای عربی در اقدامات زشت و دور از منطق به دنبال تحریف نام خلیج همیشگی فارس هستند.

۲۴ اردیبهشت: لغو امتیاز تنباکو

جنبش تحریم توتون و تنباکو و فتوای میرزای شیرازی از مهمترین رویدادهای تاریخ معاصر می‌باشد. بعد از واگذاری توزیع و فروش توتون و تنباکو به انگلیسی‌ها، مخالفت‌های گسترده‌ای ایجاد شد. با ایجاد جنبش عظیم مردمی، ناصرالدین شاه ناچار به لغو این امتیاز شد.

۲۵ اردیبهشت: بزرگداشت فردوسی

حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی از بزرگ‌ترین حماسه‌سرایان ایران و جهان است. فردوسی با سرودن شاهنامه، کاری کرد که هیچ‌گاه یاد و خاطره شکوه ایرانیان فراموش نشود. این خردمند ایرانی عمری را برای گردآوری شاهنامه گذاشت و با این کار تأثیر بی‌مانندی در ادبیات و فرهنگ مردم ایران به جا گذاشت.

۲۸ اردیبهشت: بزرگداشت خیام

حکیم غیاث‌الدین ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری. وی در فلسفه، ریاضی، ستاره‌شناسی استاد بود. به نظر می‌رسد خیام شاعر توانایی هم بوده است و رباعیاتی منسوب به او وجود دارد که دارای شهرت جهانی می‌باشند. خیام چهره‌ای آشنا و محبوب در سطح جهان است.

کانون ایران‌شناسی دانشگاه تهران کسب کرد:

رتبه پنجم کشور

ادامه از صفحه اول نکته‌ای که مورد توجه نمایندگان کانون‌های دانشگاه ما در این جشنواره قرار گرفت، سطح پایین امکانات و اعتبارات کانون‌های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه ما نسبت به دیگر کانون‌های کشور بود. به طوری که شرایط کانون‌های دانشگاه تهران اصلاً شایسته نام این دانشگاه نیست و از بسیاری از دانشگاه‌ها عقب هستیم! می‌توان گفت امکانات کانون‌های دانشگاه ما نزدیک به صفر است!

پیش از این در شماره دوم نشریه سرزمین آزادگان از مشکلات خود گفتیم و محدودیت‌های فراوان خود را شرح دادیم! از مشکل تالار گرفته تا بی‌نظمی‌های گوناگون. امکانات برای ما آنقدر محدود است که برای نصب یک بنر در سطح دانشگاه، دو روز تمام وقت ما گرفته شد تا سرانجام با دوندگی فراوان توانستیم یک بنر آن هم فقط یک بنر را نصب کنیم! وقتی هزینه‌ای که برای یکی از برنامه‌های ما با عنوان «سرای مهر» اختصاص یافته بود را به دوستان گفتیم، آنها لبخند زدند و پرسیدند با این هزینه اندک چطور این برنامه را برگزار کردید؟!

مشکلات مختلف باعث شده است که بسیاری از برنامه‌ریزی‌های ما به هم بخورد. دانشکده‌ها برای تحویل تالار به تشکلهای دانشجویی دانشگاه هزینه طلب می‌کنند، تبلیغات ما بسیار محدود است، هزینه قابل توجهی به برنامه‌های کانون‌ها اختصاص نمی‌یابد، هیچ نظمی درباره نشریات وجود ندارد و... به عبارت دیگر ما دستان خالی است ولی با این حال کانون‌های ما در سطح کشور رتبه می‌آورند! این مورد نشان از ظرفیت خوب دانشجویان دانشگاه تهران دارد اما این ظرفیت با بی‌مهری مسئولان محترم دانشگاه همراه است.

فعالیت در این شرایط، یک علاقه‌شیدا گونه به میهن را می‌طلبد که اعضای کانون ایران‌شناسی افتخار می‌کنند که چنین علاقه‌ای به میهن دارند اما این شرایط ناخرسندی‌های فراوانی را برای ما بوجود آورده است و باعث خستگی ما شده است. امیدواریم شرایط برای فعالیت کانون‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی دانشگاه تهران بهتر شود چراکه دستاوردهای بسیار مطلوب و خوبی را برای دانشگاه ما به ارمغان می‌آورد.

فعالیت و پویایی کانون‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی در دانشگاه تهران به عنوان یک نیاز اساسی حس می‌شود چرا که فضای دانشگاه تهران با سیاست زدگی افراطی همراه است و کانون‌های فرهنگی می‌توانند باعث تعدیل این شرایط شوند. این کانون‌ها می‌توانند فضای دانشگاه را از یک فضای سیاست زده جنجالی به سمت فضایی فرهنگی سوق دهند. اما رویکرد مطلوبی در دانشگاه تهران به کانون‌های فرهنگی نیست و فضای دانشگاه روز به روز سیاست زده تر می‌شود.

بسیاری از دانش‌آموختگان دانشگاه تهران در سطح کشور تأثیر گذار می‌شوند و شرایط نامناسب این دانشگاه طبیعتاً در سطح کشور تأثیر گذار است. بنابراین اقدام در جهت اصلاح شرایط دانشگاه تهران در زمینه‌های گوناگون بسیار مثبت است و برای کشور سودمند می‌باشد.





در سومین گردهمایی دهه فرهنگی

شعر استاد شجاعپور در واکنش به ناسزا گویان به فردوسی بزرگ

ادامه از صفحه اول شعر خوانی استاد شجاعپور با استقبال روبرو شد و حضار به تشویق جانانه ایشان پرداختند.

در ادامه بخش‌هایی از این شعر را می‌آوریم:

شبی سرد و تاریک و طاقت شکن
دل خسته از بار اندوه، ریش
به شهر و دیاری ز ایران به دور
همه خسته دل، خسته جان، خسته تن
به ملک ادب از ادب دورها
صباح دروغین بی بامداد
دل آزده بودم به دور از وطن
شبی چشم خود شسته در اشک و آب
سرا پرده‌ای بود آراسته
به گرد اندرش نیزه‌ها تیرها
سواران و گردان و گردن کشان
در آن پرده بر پای بر روز و شب
سرا پرده‌اش را سه یل پرده دار
به پشت اندرش گیو و گودرز بود
یمین، زال زر بود و سام سوار
به قلب اندرون، رستم داستان
کشیده بر آن طاق، سیمرغ پر
به تخت بزرگی در آن انجمن
به بر گویی از جنس جان، جامه داشت
چه شهنامه، آن نامه شاهوار
چه شهنامه کاندلر ره نیک و بد
در آئینه هستی و نیستی
هر آن کاو در او نامه داد و گشاد
ز هر بیت، بیت دگر ناب تر
همه پهلوانان و گردن کشان
در آن بارگه در تماشای پیر
همه در تمنای گفت و شنید
ز من آنچه باید بدانست و خواند
به پیر سخن گفت پس پیلتن
کز ایران زمین میهمان آمده
پس آنگاه فردوسی پاکزاد
بپرسید از من که تو کیستی؟
چنین دادمش پاسخ: ایرانی‌ام؟
پی کوچ پوچی ز ایران زمین
به ملکی که ماوای ما شد گزین

که شب بود و تب بود و غم بود و من
به دل بار اندوه از کوه، بیش
نه ماران چو مار و نه موران چو مور
ز هم سرزمینان نا هم وطن
شعار آفرینان شییورها
تهمتن فریبان نسل شغاد
ز پیغاره گفتار حرمت شکن
به پرده سرایی شدم مست خواب
دل انگیز و دل باز و دل خواسته
رها در چکا چاک شمشیرها
که داده یکایک از ایشان نشان
همه بوسه داده زمین ادب
سیاوش و سهراب و اسفندیار
به پیشش به پا بر، فرامرز بود
دو یل بیژن و طوسش اندر یسار
به دست اندرش اختر کاویان
زهی شأن و شوکت! زهی جاه و فرا!
زده تکیه چون کوه، پیر سخن
و زان جنس، در دست شهنامه داشت
چه شهنامه، آن دفتر شاهکار
نمایانگر شاهراه خرد
همه درس یکتا پرستیستی
نخست از جهان آفرین کرده یاد
از این قصه آن قصه، جذآب تر
به خوان‌های آن نامه بر، میهمان
نمی‌شد دل و دیده از پیر، سیر
در اندیشه بودم که برزو رسید
بپرسید و پاسخ به رستم رساند
چو برزو خبر دادش از حال من
شکسته دل و خسته جان آمده
به آن بارگه بر، مرا بار داد
تزنند و دژم - خاطر از چیستی؟
از آن سرزمینی که می‌دانی‌ام
سفر کردگانیم تا پشت چین
یکی شاعر آمد ز ایران زمین

به گردش گروهی شدند انجمن
سخن طیره آن خیره بسیار گفت
دلش پر ز کین و لبش پر فسوس
ندانم بدین کار مأمور بود
از آن باد بی موسم ار چه گزند
دل از آنچه او گفت آزده شد
به ایران به دوران، ز ایران به دور
چو این گفتم آن پیر ایران مدار
نه این کان سخنگوی باری که بود
به او گفتم: ای پیر نیکو نهاد
چو این گفتم آن پیر رامش گرفت
سپاس خداوند جان و خرد
که سال از هزار و صد افزون تری
کز ایران زمین سر به در کرده است
به سی سال تخم سخن کاشتم
پی افکنم از نظم کاخی بلند
مرا غیر از این آرزویی نبود
انوشه است ایران و پاینده است
مرا گنج بس رنج در سال سی
چو حرف از زبان دری می‌زنی
نخواندی مگر گشته‌ام آشکار
هر آنکس که دارد هش و رای و دین
گرفتم که کس آفرینم نگفت
چو گوید سخن، پارسی مو به مو
مرا گر تمنا ز هم میهن است
ز خوابم بدین گفته بیدار کرد

کزو شاد دارند دل در سخن
چه گویم به تو نا سزاوار گفت
به شهنامه بد گفت و بر پیر توس
و یا خود به ذات از ادب دور بود
نیامد بدین کاخ نظم بلند
نه من هر که بشنید افسرده شد
ره آوردش این بود از تلخ و شور
بفرمود ما را بگوی آشکار
زبان سخن گفتن او را چه بود؟
سخن پارسی گفت و دشنام داد
به درگاه یزدان نیایش گرفت
نیایش کنان بر زمین بوسه زد
چنان زنده مانده زبان دری
به آن سوی گیتی سفر کرده است
کنون کشته خویش برداشتم
که از باد و باران نیابد گزند
که این کاخ بر خاک ناید فرود
زبان دری تا ابد زنده است
که زنده است تا جاودان پارسی
چه غم از به من ناسزا گفتی
ز بیگانه و دشمن و غمگسار
پس از مرگ بر من کند آفرین
چنان گفت اما چنینم نگفت
به من هر چه خواهد بگویش بگو
وطنخواهی و پارسی گفتن است
سبکبار و تیمار و هشیار کرد

شاخابی که پارس خواهد ماند

شاخاب پارس علاوه بر اینکه از نظر منابع طبیعی، گردشگری و... اهمیت دارد، از لحاظ منافع ملی برای ما بسیار مهم است. این منطقه استراتژیک که یکی از مهمترین مناطق تأمین نفت جهان به حساب می‌آید، نموداری از تمدن کهن ماست و از لحاظ امنیتی سرنوشته ساز است.

رویکرد برخی از کشورهای عربی در این سال‌ها و اصرار زیاد بر مخالفت با امری که معلوم و مشخص است و همچنین جنگ افروزی‌های اخیر این کشورها نشان دهنده افزونه‌خواهی‌های غیر منطقی این کشورهاست! چنین رخدادهایی، این موضوع را به ذهن می‌آورد که بعید نیست فرمانروایان این کشورها از تغییر یک اسم، اهداف بزرگ‌تر و مهم‌تری را در سر می‌پروراند.

آنچه به شاخاب پارس ارزش ویژه‌ای داده، موضوع هویت است. می‌دانیم در بسیاری از منابع و متون تاریخی، حوزه فرهنگ و تمدن ایران‌زمین با نام‌هایی مانند پارس، Persia و... بیان شده است. گویی از جانب برخی طیف‌ها تلاش‌هایی صورت می‌گیرد که هرآنچه میان مردمان امروز با آن حوزه فرهنگ و تمدنی کهن پیوند برقرار می‌کند از میان بردارند و شاید به دنبال حذف یک هویت فرهنگی هستند! گویی اقداماتی مانند گذاشتن نام جعلی بر روی شاخاب همیشگی پارس و هم در راستای همین موضوع صورت می‌گیرد.

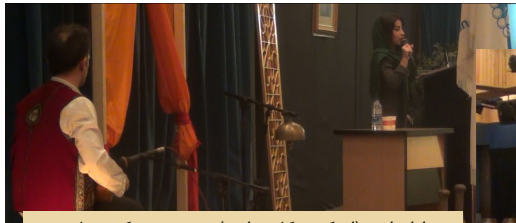


دهه فرهنگی خردمند توس

کانون ایران‌شناسی برگزار کرد:

به بهانه بزرگداشت فردوسی توسی

کانون فرهنگی-دانشجویی ایران‌شناسی دانشگاه تهران در روزهای نزدیک به بزرگداشت فردوسی توسی، «دهه فرهنگی خردمند توس» را برگزار کرد که با چند گردهمایی در باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران همراه بود (گردهمایی نخست: ۱۴ اردیبهشت، گردهمایی دوم: ۲۰ اردیبهشت، گردهمایی سوم: ۲۲ اردیبهشت). در اینجا گزارشی تصویری از دو گردهمایی این دهه را ارائه می‌دهیم و در شماره‌های بعدی به گردهمایی نخست و دیگر بخش‌های این دهه اشاره می‌کنیم.



میترا امرایی (از گویندگان رادیو) در دومین گردهمایی، به شعرخوانی پرداخت. همزمان با شعرخوانی ها نوازنده سازهای کهن ایرانی به نوازندگی می‌پرداخت.



هنرهای زورخانه‌ای در گردهمایی دوم



دکتر ناصر تکمیل همایون در گردهمایی سوم، خاطرات خود که با شاهنامه، فردوسی و زبان پارسی مرتبط بودند، به ویژه خاطرات خود در کشورهای تاجیکستان و افغانستان را بیان کرد. وی همچنین مشاهدات خود را در چین و اروپا شرح داد و درباره تشعشعات فرهنگ ایرانی در آن مناطق نکاتی را مطرح کرد.



در گردهمایی دوم، دانشجویان شاعر، با زبان‌هایی مانند پارسی، کردی، لکی و... به شعرخوانی درباره شاهنامه و فردوسی پرداختند.



شوکتعلی محمدی شاری، شاعر هزاره اهل جاغوری، شاهنامه را یکی از قله‌های تسخیر ناپذیر ادب اسطوره‌ای و حماسی دانست (گردهمایی سوم).

مرشد محمد نیری (مدرس بین‌المللی مرشدی و نقالی) در گردهمایی سوم به نقل داستان‌های شاهنامه پرداخت. او گاه ضرب زورخانه می‌زد و گاهی هم نوازندگی می‌کرد. در این بین، نقل داستان از روی پرده مورد توجه حضار قرار گرفت. در این گردهمایی داستان‌های «زال و سیمرغ» و «زال و رودابه» نقل شد.



ابوطالب مظفری شاعر هزاره اهل ارزگان، پس از اشاره به خوشحالی فراوان از حضور در گردهمایی سوم، بیان کرد که عشق به شاهنامه از کودکی با او همراه بوده است.



پیش از شعرخوانی استاد شجاع‌پور در گردهمایی سوم، مجری برنامه بخشی از شعر مشهور او یعنی وطن را خواند: وطن یعنی رهایی ز آتش و خون... خروش کاوه و خشم فریدون / وطن یعنی زبان حال سیمرغ... حدیث یال زال و بال سیمرغ...